

سرگذشت نامه‌هایی از اعضای نهضت جنگل

● فریدون شایسته

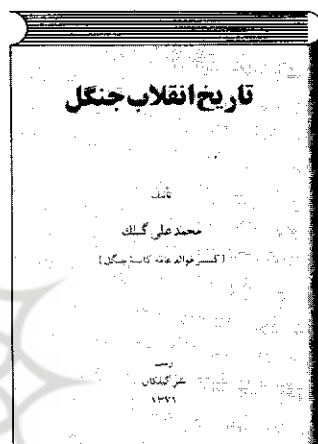
بازگشت به گیلان، در بندر انزلی به کار تدریس پرداخت. سپس در رشت عضویت هیأت تحریریه روزنامه طلوع را عهده‌دار شد و مدتی هم در بیمارستان ملی رشت (پورسینای فعلی) به کار پرداخت. آن‌گاه به عضویت بانک ملی ایران درآمد. قبل از عضویت در بانک ملی، امتیاز روزنامه رشت را اخذ کرد و به چاپ و نشر این روزنامه پرداخت. این روزنامه از نشریات خوب و ارزنده گیلان بود. نیمایوشیخ (علی اسفندیاری) شاعر نوپرداز معاصر طی نامه‌ای که برای محمدعلی گیلک فرستاده و مرحوم سیروس طاهباز این نامه را در مجموعه نامه‌های نیما گردآوری و به چاپ رسانده است، از محتوای شماره اول روزنامه رشت اظهار رضایت و سودمندی کرده است.

محمدعلی گیلک با زبان‌های فرانسوی و انگلیسی آشنایی داشت. او علاوه بر ترجمه کتاب تاریخ گیلان از خودزکو، جهانگرد لهستانی که آن را از فرانسه به فارسی برگرداند و در مجله فروغ به چاپ رساند، دو اثر دیگر هم از خود به یادگار نهاد: کتاب «شیخ زاهد گیلانی» و «تاریخ انقلاب جنگل». کتاب اخیر در کنار کتاب سردار جنگل اثر ابراهیم فخرانی، خاطرات میرزا اسماعیل جنگلی، خاطرات صادق کوچکپور، خاطرات میراحمد مدنی و ... از کتب معتنا به خواندنی دوران نهضت جنگل به شمار می‌رود.

به نوشته جهانگیر سرتیپ‌پور، او در اواخر عمر وارد محافل درویشی شد و در زمره اعضای درویشان سلسله ذهبی درآمد. گیلک در آبان ماه سال ۱۳۴۵ خورشیدی در حالی که هفتادساله بود دیده از جهان فرو بست. جسد وی را در محوطه مسجد فیروز آبادی در تهران به خاک سپردند.

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب، وجود شرح حال و زندگی نامه اعضای نهضت جنگل است.

گیلک در متن کتاب و گاهی هم در پاروقی‌های آن به طور اجمال و مختصر به ذکر شرح حال تعدادی از افراد و سران این نهضت و حتی مخالفان آن پرداخته است: محمدعلی پیربازاری (ص ۱۵)، وهاب-زاده حدیدی (ص ۲۱)، ضرغام السلطنه (ص ۲۲)، پوررسول (ص ۸۰)، میرزا ابوطالب عرفانی (ص ۸۸)، رضاخان افشار (ص ۱۳۸)، محمدعلی خان آزاد، (صص ۱۷۷-۱۷۵)، نصرت الله خان آزاد راد (ص ۲۱۳)، سرهنگ عبدالجواد قریب (ص ۲۱۷)، میرزا شکرالله



- تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی)
- نویسنده: محمدعلی گیلک
- ناشر: انتشارات گیلکان، رشت، ۱۳۷۱، ۵۹۰ ص

کتاب تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی) تألیف محمدعلی گیلک، کمیسر فواید عامه نهضت جنگل، یکی از منابع ارزنده دوران هفت ساله نهضت جنگل به شمار می‌رود. قبل از پرداختن به محتوای کتاب و معرفی آن به خوانندگان این مقاله، خلاصه زندگی نامه محمدعلی گیلک ذکر می‌شود:

محمدعلی گیلک (خمامی) در سال ۱۲۷۵ ه. ش به دنیا آمد. او در مدرسه شمس رشت به تحصیل پرداخت و همزمان با شروع نهضت جنگل به اقتضای شور جوانی و عشق به آزادی به این نهضت پیوست و چون دارای استعداد زیاد و معلومات قابل توجهی بود در رده مدیریت و رهبری نهضت جنگل قرار گرفت. او از رهبران جنگل و از یاران بسیار نزدیک میرزا کوچک خان بود که در کابینه وی سمت کمیسری یا وزارت فواید عامه را داشت و در تمامی تحولات نهضت از آغاز تشکیل کمیته اتحاد اسلام و کودتای سرخ حزب عدالت، تا شکست نهضت و شهادت رهبران حضور چشمگیر داشته است. گیلک پس از خاتمه کار نهضت جنگل به قفقاز مهاجرت کرد و در

► سه وزیر کابینه جنگل،
نشسته ردیف بالا، از راست به
چپ: محمد علی گیلک،
نصرت‌الله رضا، میرشمس‌الدین
وقار السلطنه



محمد علی گیلک از رهبران
جنگل و از یاران بسیار نزدیک
میرزا کوچک خان بود که در
کابینه وی سمت کمیسری یا
وزارت فوائد عامه را داشت

یکی از ویژگی‌های مهم کتاب
تاریخ انقلاب جنگل، ذکر
شرح حال و زندگی نامه
اعضای نهضت جنگل و حتی
مخالفان آن نهضت است

عمومی نیز به قدری زیاد شده بود که مردم از هر طرف و از هر صنف و طبقه برای آن که اسمی در بین جمعیت داشته باشند از ارسال پول و اشیاء و لوازم و هر نوع کمکی که مقدور آنان بود مضایقه نمی‌کردند. (ص ۲۳) همین نکته را هم فخرانی در کتاب سردار جنگل متذکر می‌شود.

محمد علی گیلک در مورد چگونگی پیوستن افراد به نهضت جنگل و در مورد پیشه آنان در گیلان سخن گفته و در ادامه نحوه پیوستن خالو قربان را به این نهضت یاد آور می‌گردد: زارعان گیلان برای آبیاری مزارع خود احتیاج به حفر رودخانه و استخر داشته و هر ساله عده‌ای از اطراف به گیلان آمده برای رفع این احتیاج در قراء و قصبات کار کرده و استفاده خوبی می‌نمودند. در آن اوقات یکی از این دسته‌های هفت یا هشت نفری که از کردستان آمده و در آن حدود کار می‌کردند به علت نزدیک بودن با جنگلی‌ها و دیدن رفتار آنان و آشنایی به سوابق احوال کوچک خان داوطلب شدند جزو مجاهدان باشند. تقاضای آنان مورد قبول واقع شده و رئیس آن‌ها خالو میرزا علی نام داشت. خالو قربان همشیره زاده خالو میرزا علی بود. دید دانی او با دسته خود به جنگلی‌ها پیوسته است، او نیز کسب و کار خود را کنار گذاشته جزو دانی خود وارد در جرگه جنگلی‌ها گردید (صص ۲۴-۲۵) محمد علی گیلک در مورد شغل خالو قربان قبل از پیوستن به جنگل یاد آور می‌گردد که او به دادوستد کتیرا در ماسوله و گاهی

خان کیهان (ص ۲۹۵) و عبدالحسین شفقانی (ص ۴۴۰) از این دسته هستند.

محمد علی گیلک نقش حاج احمد کسمانی را در پیشرفت امور جنگل یکی از عوامل مهم و اساسی دانسته است. (ص ۱۸) او منابع مالی نهضت جنگل را اعانات مردم متمکن قید کرده است. (ص ۱۹) محمد علی گیلک از نزاع بین نیروهای میرزا کوچک و نیروهای غلامحسین نامی یاد می‌برد که وی از مجاهدین زمان مشروطیت بود. به نوشته او غلامحسین خان پس از دستگیری قسم یاد کرد که وارد جمعیت نهضت جنگل شده و با کمال صمیمیت به آن‌ها خدمت کند (ص ۲۰). ابراهیم فخرانی از فردی به نام غلامحسین خان بهمبری یاد کرده و عکس وی را هم در کتاب سردار جنگل به چاپ رسانده است. گفتنی است که نامبرده پس از سرکوب نهضت جنگل، رهبری قیام دهقانی منطقه صومعه سرا را به عهده داشته و در سال ۱۳۰۵ در صومعه سرا اعدام شده است.^۲ احتمالاً منظور گیلک از غلامحسین خان همین شخص می‌باشد.

محمد علی گیلک شکست یک عده از مأموران قونسول روس در نبرد گسکره ماکلوان را از نیروهای جنگل در پیشرفت کار نهضت، توسعه قلمرو آن و استقبال عموم مردم مؤثر می‌داند و می‌نویسد: بعد از این فتح، جنگل شهرت عظیمی یافت و جنگلی‌ها قدرت پیدا کردند و علناً وارد ماسوله شده و آن‌جا را مرکز خویشتن قرار دادند. احساسات

زنجان اشتغال داشته است. (ص ۲۳)

یکی از سران شاخص نهضت جنگل مشهدی علیشاه چومثالی بود که در تمامی منابع این دوره از او به عنوان یک نفر از بیست و هفت نفر اعضای کمیته اتحاد اسلام یاد شده است. او در کسما مسئول تشکیلات جنگل بود و سر کمیسر جنگ محسوب می‌شد. محمدعلی گیلک، همانند میرزا اسماعیل جنگلی، او را یکی از افراد نهضت مشروطه دانسته و معتقد است که وی در جریان جنگ قوای جنگل با نیروهای روس کشته شده است (ص ۲۴). عین همین داستان را می‌توان در خاطرات میرزا اسماعیل جنگلی مورد مطالعه قرار داد.^۲ این در حالی است که یعقوب هوشنگی آخرین فرزند بازمانده از مشهدی علیشاه و منوچهر هدایتی خوشکلام هر دو معتقدند که «علیشاه در اسفندماه ۱۳۱۲ خورشیدی دارفانی را وداع کرده است.»^۳ یعقوب هوشنگی محل دفن علیشاه را صحن مقبره حضرت معصومه در قم و هدایتی روستای چومثقال صومعه‌سرا می‌دانند.

در تمامی منابع دوره جنگل از اقدامات و خدمات نهضت جنگل سخن به میان آمده است. محمدعلی گیلک در مقام مقایسه با دیگر خاطره‌نویسان این دوره، صفحات بیشتری را به این امر اختصاص داده است. وی از مدرسه نظام ملی گروه جنگل، ایجاد راه و مدارس و محاکم قضائی آنان به نیکویی سخن گفته است. (صص ۷۹-۷۶).

یکی از مباحث ارزنده و خواندنی کتاب، متن استنطاق سرهنگ عبدالجواد قریب از دکتر حشمت است. دکتر حشمت در این محاکمه از اهداف، آرمان‌ها و شخصیت میرزا کوچک و نهضت جنگل به دفاع برمی‌خیزد و به تیره سردار جنگل از اتهام و انتساب به فرقه بهائیت سخن می‌گوید. (صص ۲۲۲-۲۱۷).

یکی از افراد پراوازه در نهضت جنگل سیدجلال چمنی است. او پس از نهضت جنگل به ادامه مبارزه با عوامل حکومت مرکزی پرداخت و در محله پونل اسیر توطئه و دسیسه ضرغام السلطنه شد و پس از دستگیری در رشت تیرباران گردید. محمدعلی گیلک در خاطراتش از او به نام سیدجلال ندامانی یاد کرده است، در حالی که جز محمدعلی گیلک، همه خاطره‌نویسان او را سید جلال چمنی معرفی کرده‌اند. (ص ۴۲۸).

عمده‌ترین مخالفان میرزا کوچک و نهضت جنگل، مالکان بزرگ گیلان بودند. این واقعیت را می‌توان در گزارش شماره ۴۶۴ به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۰ سفارت آلمان در ایران دریافت: «کمیسیونی از زمین داران عمده گیلان تحت ریاست رئیس الوزرا در تهران تشکیل شد تا درباره اوضاع گیلان مشورت کنند. به طوری که گفته می‌شود

محمدعلی گیلک شکست یک عده از مأمورین قنصل روس در نبرد گسگر ماکلوان را از نیروهای جنگل در پیشرفت کار نهضت، توسعه قلمرو آن و استقبال عموم مردم مؤثر می‌داند

یک قسمت از جنگل‌های بین منجیل و رشت را نابود کرده‌اند تا آن که پناهگاه‌های قیام‌کنندگان گیلانی را از آن‌ها بگیرند.»^۵

همین مسئله را محمدعلی گیلک به عنوان عمده‌ترین علل مخالفت میرزا فتح الله خان اکبر (سپهدار رشتی) با نهضت جنگل برشمرده است: سپهدار از کسانی بود که در مقام وزیر کشور، وجود نهضت جنگل را برای حیثیت، موقعیت و املاک خود در رشت مضر می‌دانست. بنابراین بهترین پشتیبان مالکین شناخته شده و به هر طریق می‌خواست زودتر این جمعیت را محو نماید. (ص ۴۲)

یکی از یاران وفادار میرزا کوچک ماگانوک بود. منابع آن دوره معتقدند که او آلمانی بود و میرزا کوچک نام هوشنگ را برای وی برگزیده بود. تنها منبعی که از آن می‌توان به اطلاعات مختصری درباره گانوک دسترسی یافت، خاطرات محمدعلی گیلک است. البته گیلک از انتساب او به آلمان تردید دارد، نوشته‌های وی در این باره این گونه است:

ما نتوانستیم از ملیت و تابعیت گانوک چیزی به دست آوریم، اگرچه می‌گفتند مشارالیه آلمانی است؛ ولی روس بودن او بیشتر به صحت نزدیک بود. به هر حال روس یا آلمانی یا ملت دیگر، این شخص تا آخرین نفس با میرزا همراهی کرد و موقعی که دوستان میرزا یکی بعد از دیگری او را ترک می‌کردند، گانوک دوش به دوش او کوه گردی و راهپیمایی می‌نمود و این شخص قبل از آن که به جنگل بیاید در اوایل جنگ بین الملل (۱۸-۱۹۱۴) در اصفهان عضو ژنرال قونسلو گری روس بود. پس از مدتی قلیل به تهران آمد و داخل بانک استقراضی گردید و بعد از شکست دولت تزاری و بروز انقلاب روسیه، با بعضی از عناصر آزادی‌خواه تهران سروکاری پیدا کرده و با مساعی آن‌ها به رشت آمد که به انقلاب جنگل پیوندند. انگلیسی‌ها در نتیجه یک فقره راپرت چند نفر از آن جمله گانوک را دستگیر و

الرعایا به قتل حیدرخان عمو اوغلی پرداختند مورد گواهی قرار می‌دهد. (ص ۵۲۴) این عمل را شاپور آلپانی نواده دختری معین الرعایا با افتخار پذیرفته است.^۸ ولی ابراهیم فخرائی با ذکر خاطره‌ای از گفت‌وگوی خود با معین الرعایا، از زبان او این مسئله را منکر شده و قتل حیدرخان را بدون اجازه معین الرعایا، ولی به توسط اتباع او یاد آور می‌گردد.^۹ این در حالی است که رمان نویس برجسته گیلانی، محمود اعتمادزاده در کتاب دختر رعیت، قتل حیدرخان عمو اوغلی را به اسماعیل جنگلی خواهرزاده میرزا کوچک نسبت داده است.^{۱۰}

خاطرات محمدعلی گیلک در حالی به پایان می‌رسد که او قتل حسن خان معین الرعایا را متوجه ابراهیم خان ندامانی کرده و معتقد است که به تحریک فضل الله زاهدی به این عمل مبادرت ورزید. (ص ۵۲۵)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سرتیپ پور، جهانگیر، نام‌ها و نامدارها در گیلان، رشت: انتشارات گیلکان، ۱۳۷۰، صص ۵۳۳-۵۳۲؛ اصلاح عربانی، ابراهیم، کتاب گیلان، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگران ایران، ۱۳۸۰، صص ۷۱۷-۷۱۶.
- ۲- فخرائی، ابراهیم سردار جنگل، چاپ پنجم، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۴، صص ۴۲۱-۴۲۰؛ اصلاح عربانی، ابراهیم، همان، ص ۲۵۸.
- ۳- جنگلی، میرزا اسماعیل، قیام جنگل، به مقدمه و کوشش اسماعیل رائین، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، صص ۲۸-۲۷.
- ۴- هدایتی خوشکلام، منوچهر، خاطرات حاج احمد کسمانی از نهضت جنگل، رشت: انتشارات کتیبه گیل، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴.
- ۵- افشار، ایرج، برگ‌های جنگل (نامه‌های رشت و اسناد نهضت جنگل)، تهران، انتشاران فرزانه روز، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳.
- ۶- کیا فر، سیدنوری، «آزادگان گمنام و یادای از گائوک آلمانی»، رشت، ماهنامه گیله وا، ویژه نهضت جنگل، ضمیمه شماره ۶۵، نوروز ۱۳۸۱.
- ۷- فخرائی، ابراهیم، همان، ص ۳۹۱.
- ۸- آلپانی، شاپور، نهضت جنگل و معین الرعایا، با مقدمه و ویراستاری علی رفیعی جبیردهی، تهران، انتشارات میشا، بی‌تا، صص ۱۵۳-۱۵۲.
- ۹- فخرایی، همان، ص ۴۲۲.
- ۱۰- مهرداد، سیدجعفر، مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۷۴.

یکی از مباحث ارزنده و

خواندنی کتاب خاطرات

محمدعلی گیلک، متن

استنطاق سرهنگ

عبدالجواد قریب از دکتر

حشمت است

حبس می‌نمایند. پس او را به هندوستان تبعید می‌کنند. بعد آگویی آزاد شده به روسیه می‌رود. بلشویک‌ها که به ایران می‌آمدند گائوک به همراهی آن‌ها به سمت مترجمی وارد انزلی گردید. کم‌کم به جنگلی‌ها پیوسته و علاقه زیادی به کوچک‌خان پیدا نمود و دائماً با او همکاری می‌کرد تا آن‌که در آغوش برف جان سپرد. (ص ۵۰۷)

سیدنوری کیا فر یکی از کسانی است که شگفتی خود را از نقش و پایداری گائوک آلمانی در نهضت جنگل ابراز داشته و در یک نگاه انتقادی به گائوک می‌نویسد: آن چه روشن است و به ضرس قاطع می‌توان گفت که این آلمانی در دوران جنگ جهانی اول به دست ارتش انگلیس دستگیر شد و به عنوان اسیر جنگی در زندان انگلیسی‌ها بود، بعدها به دلایلی که چگونگی آن روشن نیست جزء اسرای روس‌ها شد و در زندان محبوس شد و پس از فرار از زندان روس‌ها به صورت یک آواره جنگ زده در رشت پرتاب شد. این مرد که بود و چرا و با چه انگیزه‌ای جان خویش را به رایگان در اختیار نهضت و میرزا کوچک‌خان قرار داد و چه می‌خواست؟ آیا او عاشق آزادی و عارف پاک باخته بود و یا تعهد و مسئولیتی در درون خویش جهت نجات نوع بشر از یوغ استعمار و بندستیم خودکامگان داشت؟ آیا او جاسوس و از مأموران مرموز و خفیة آلمان و یا سایر قدرت‌های غربی بود؟ این پرسش‌هایی است که در مغز هر مطالعه‌گر نقش می‌بندد و هر کس به فراخور استعداد و بینش و نگرش خود به آن‌ها پاسخ می‌دهد و نتیجه می‌گیرد.^۶

محمدعلی گیلک عامل انتقال سر میرزا کوچک را از قبرستان جنب چهارراه حسن آباد تهران به سلیمانداراب رشت، شیخ احمد سیگاری می‌داند. (ص ۵۱۲) در حالی که ابراهیم فخرایی مشهدی کاس آقا حسام (خیاط) را عامل این کار معرفی کرده است.^۷ گیلک تفنگدارهای طالش (اتباع معین الرعایا) را که به امر حسن خان معین